یادداشت

نسبت نظامی‌گری و دموکراسی‌خواهی

علی‌محمد حاضری
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

جدا از توصیه‌های امام، استدلال‌هایی را که برای منع مداخله نظامیان در دسته‌بندی‌های سیاسی - جناحی و رقابت‌های انتخاباتی پرداخته به شرح زیر می‌توان برشمرد: ۱) فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر نهادهای نظامی، «اطاعت تام» از مافوق و انتظار فرمان بری بدون چون و چرا از صاحبان درجات پایین‌تر است. این اصل هنجاری و ارزشی در نهادهای نظامی با ماموریت اصلی آنها در شرایط جنگی و میدان نبرد با دشمن دقیقا سازگار است ولی با مسئولیت اجرایی و مقتضیات ریاست‌جمهوری در یک جامعه دموکراتیک کاملا ناسازگار است. چرا که در اینجا رئیس‌جمهور باید خود را نه یک فرمانده، که خدمتگزار مردم بداند و به جای آنکه از مردم اطاعت بدون قید و شرط طلب کند، باید گوشی شنوا برای مطالبات و انتظارات مردم داشته باشد. بر همین سیاق، در نهاد نظامی، نظر و منویات فرمانده ارشد، امر و فرموده‌ای تلقی می‌گردد که هیچ ضرورتی برای اقناع مجریان و زیردستان وجود ندارد. لذا، تصمیمات بیش از آنکه مبتنی بر تبادل آرا و نظرات کارشناسی باشد، نوعی تلاش برای تحقق منویات و دستورهایی به حساب می‌آید که اعتبار آن را درجه و ارشدیت نظامی تضمین کرده است؛ نه لزوما مشاوره و خرد جمعی کسانی که در سلسله‌مراتب نظامی، مادون و فرمانبر به حساب می‌آیند. ۲) سرکوب و مجازات معترضان آسان‌ترین راهکار در فرهنگ نظامی‌گری است. در مسئولیت‌های اجرایی و مقامی چون ریاست‌جمهوری، همیشه این احتمال وجود دارد که اقدامات و تصمیمات اجرایی، به دلایل گوناگون با نارضایتی و اعتراض بخش خاصی از جمعیت مواجه شود. در چنین شرایطی، آسان‌ترین گزینه برای یک فرمانده نظامی در مقام مسئول اجرایی، قبل از تلاش برای فهم دلایل و عوامل نارضایتی و کوشش برای اقناع معترضان یا حتی تعدیل تصمیمی که موجب اعتراض شده، توسل به سرکوب و مجازات معترضان است. چراکه در فرهنگ نظامی‌گری، اعتراض فی نفسه، اختلال در اجرای فرمان مطاع به حساب می‌آید که مستوجب مجازات است و نزدیک‌ترین حربه برای مقابله با اعتراض و مجازات متخلفان هم نیروهای تحت امری هستند که با اشاره فرمانده به مقابله با معترضان می‌پردازند. ۳) نهادهای نظامی در کلیت آن برای دفاع از مرزها و تضمین امنیت و منافع ملی از هرگونه تجاوز و تعدی به وجود آمده‌اند و در ایفای این وظیفه تمامی آحاد ملت و شهروندان به نحو یکسان باید از این حمایت برخوردار باشند. ایفای هرچه بهتر این نقش ایجاب می‌کند، نهادهای نظامی فراتر از دسته‌بندی‌ها و صف‌کشی‌های مرسوم در رقابت‌های انتخاباتی، قرار داشته باشند تا بتوانند مسئولیت‌های حمایتی خود را به نحو فراگیر برای همه ملت تامین نمایند. ورود نظامیان در عرصه رقابت‌های انتخاباتی به نحوی اجتناب‌ناپذیر آنها را در این صف‌بندی دچار چندپارگی می‌کند و به وحدت و یکپارچگی آنها صدمه می‌زند. ۴) ورود سازمان و نهادهای نظامی در رقابت‌های انتخاباتی، موجب بی‌عدالتی در منابع رقابت می‌شود. یکی از جدی‌ترین فروض برگزاری انتخابات سالم و رقابتی، عدم استفاده یکسویه رقبا از منابع عمومی است. حال اگر نظامیان با حفظ پیوندها و همبستگی‌های نظامی و تعلقات سازمانی خود وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند، به نحو اجتناب‌ناپذیر و حتی ناخواسته این منابع عظیم سازمانی آنها در جریان رقابت، در خدمت کاندیدای نظامی موردحمایت قرار می‌گیرد و رقبای غیرنظامی از آن محروم می‌مانند و سلامت رقابت و انتخابات مخدوش می‌گردد؛ و این امر حب و بغض‌هایی را نسبت به نظامیان ایجاد می‌کند که با شئون و منزلت فراگیر نظامیان ناسازگار است. همه آنچه گفته شد مربوط به حضور چهره‌های نظامی برآمده از نهادهای نظامی با حفظ هویت و جایگاه نظامی آنهاست. به نحوی که دیگر نظامیان و افراد منتسب به آن نهاد نظامی او را نماینده و مطالبه‌گر اهداف و انتظارات خود بدانند که چنین تلقی از حضور نظامیان به‌ویژه در انتخابات ۱۴۰۰ متصور و مورد بحث است و الا اگر فردی با سابقه نظامیگری، سال‌ها با پیشینه نظامی خود فاصله گرفته باشد و خود و دیگران او را نماینده و پیگیر انتظارات آن نهاد نظامی ندانند و شخصیت و منش او را مستقل از تعلقات و سابقه نظامی‌گری بدانند، به نحوی که حضور او در انتخابات برای آن سازمان نظامی و مردم، تلقی حضور نظامیان در انتخابات را به وجود نیاورد از موضوع بحث این نوشته خارج خواهد بود. بدیهی است این معنا از عدم پیوستگی و تعلق سازمانی به نهادهای نظامی، به‌کلی با استعفاهای صوری که مرسوم بوده متفاوت است.

دکتر بهمن آرمان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»

مردم رئیس جمهور نظامی را رد می‌کنند

عکس: آرمان‌ملی /فاطمه فتاحی

آنچه دولت روحانی انجام داد نهایت توانایی یک دولت در شرایط سخت بود

هر کسی به مردم قول بدهد سرنوشتی مانند روحانی پیدا می‌کند

کاندیداها در شرایطی نیستند که هر وعده‌ای به مردم بدهند

انتخابات در ایران هنوز برنامه‌محور نشده است

روحانی برنامه داشت اما در عمل محقق نشد

مردم گمان می‌کنند کسانی که با رأی آنها انتخاب می‌شوند از قدرت کافی برخوردار نیستند

آرمان ملی- احسان انصاری: کاندیداهای ریاست‌جمهوری چه برنامه‌ای برای حل مشکلات اقتصادی مردم دارند؟ چرا در حالی که مهمترین دغدغه امروز مردم ایران مشکلات اقتصادی است کاندیداهای ریاست‌جمهوری تلاش می‌کنند با رویکرد سیاسی وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند؟ جریان‌های سیاسی برای حل مشکلات اقتصادی مردم چه مشکلاتی دارند؟ مشکلات معیشتی مردم به چه اندازه میزان مشارکت و فضای رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آینده را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ برای پاسخ به این سوالات «آرمان ملی» با دکتر بهمن آرمان، اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. دکتر آرمان در این زمینه معتقد است: «واقعیت این است که براساس شواهد و قرائن موجود میزان مشارکت در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری پایین خواهد بود. به همین دلیل نیز کاندیداهای ریاست‌جمهوری در شرایطی نیستند که وعده‌هایی مانند کنترل نرخ تورم، کاهش نرخ بیکاری و افزایش سرمایه‌گذاری به مردم بدهند. از سوی دیگر در درون کشور سوءمدیریت، فساد نهادینه شده و کنار گذاشتن نخبگان کشور و افرادی که می‌توانند در خروج کشور از بحران کمک کنند به خوبی احساس می‌شود. تا زمانی که نهادهای تصمیم‌گیر در ایران به این نتیجه نرسند که قصد دارند چگونه با جهان برخورد کنند و از سوی دیگر قصد دارند با مردم کشور به چه صورت برخورد کنند، هر قول و وعده‌ای از سوی کاندیدای ریاست‌جمهوری مورد اقبال مردم قرار نخواهد گرفت و موجبات دلسردی بیشتر مردم را فراهم خواهد کرد. در ادامه ما حصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

در حالی که گزینه‌های زیادی برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شده‌اند اما هنوز هیچ جریان سیاسی‌ای برای حل مشکلات اقتصادی به عنوان مهمترین دغدغه امروز مردم ایران راهکار و برنامه ارائه نکرده است. چرا در حالی که چالش‌های اقتصادی برای مردم اهمیت دارد اما جریان‌های سیاسی همچنان با رویکرد سیاسی به انتخابات نگاه می‌کنند؟

در ایران کسانی که برای شورای شهر، نمایندگی مجلس شورای اسلامی و حتی ریاست‌جمهوری کاندیدا می‌شوند برنامه ارائه نمی‌کنند. این موضوع مرتبط به امروز نیست و در گذشته نیز وجود داشته است. در ایران معمولاً به مسائل کلی پرداخته می‌شود؛ در حالی که در کشورهای دیگر بیشتر اولویت‌ها، برنامه‌ها هستند. در کشورهای توسعه‌یافته مردم به برنامه کاندیدا و احزاب رأی می‌دهند، نه به یک شخص خاص. تجربه تاریخی در ایران نشان داده اگر یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری به مردم برنامه ارائه کند در عمل این برنامه قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند. به عنوان مثال آقای روحانی با برنامه وارد رقابت‌های انتخاباتی شدند و برای مشکلات برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت داشتند. با این وجود در عمل این برنامه‌ها به دلایل مختلف تحقق پیدا نکرده است. دونالد ترامپ در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا از شعار «اول آمریکا» استفاده کرد. ترامپ عنوان کرد هزینه نظامیان خارج از آمریکا را کاهش خواهد داد و از سوی دیگر واردات از کشورهای دیگر را با ابزار تعرفه‌ها کاهش داده و تلاش می‌کند در آمریکا اشتغال ایجاد کند. در عمل نیز این اتفاق رخ داد. به عنوان مثال ترامپ با چین به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده کالا به آمریکا مقابله کرد و در مسیر واردات کالا از چین مانع ایجاد کرد. از طرف دیگر با وضع تعرفه روی کالاهای اساسی و کلیدی مانند فولاد و آلومینیوم واردات این کالاها را به خاک آمریکا کاهش دادند. به همین دلیل استفاده از سیاست‌هایی که در کمپین انتخاباتی وعده آن داده شده بود در عمل محقق شد. در این زمینه میزان بیکاری در دولت ترامپ تا قبل از فراگیری بیماری کرونا به کمترین میزان خود در ۵۰ سال اخیر کاهش پیدا کرد. آقای روحانی نیز در دوران رقابت‌های انتخاباتی برنامه ارائه کردند. یکی از مهمترین برنامه‌های ایشان این بود که تنش‌ها را در رابطه ایران با کشورهای جهان کاهش بدهند تا سرمایه‌گذاری در کشور تسهیل شده و شرایط برای رونق اقتصادی در کشور فراهم شود. با این وجود در عمل چنین اتفاقی رخ نداد.

مردم ایران گزینه نظامی را برای ریاست‌جمهوری نمی‌پسندند. در شرایط کنونی به اندازه کافی فشار روی زندگی مردم وجود دارد. در چنین شرایطی اگر این فشارها توسط یک چهره نظامی در انتخابات تشدید شود ممکن است پیامدهای سنگینی هم به همراه داشته باشد

چرا در ایران تمام برنامه‌های کاندیدای ریاست‌جمهوری شکل عملی به خود نمی‌گیرد؟

مهمترین دلیل این مسأله آن است که آنچه در ایران اتفاق می‌افتد متأثر از آن چیزی است که در کشورهای دیگر درباره آن تصمیم‌گیری می‌شود. شرایط رکود، تورم بسیار بالا، به همراه میزان بیکاری بالا انواع پیامدها مانند بزهکاری و فساد اقتصادی را به همراه خود خواهد داشت. بدون‌تردید این وضعیت منافع برخی جریان‌های سیاسی خارج از کشور و به‌خصوص کشورهایی مانند روسیه را تأمین می‌کند. همچنین ایجاد رونق اقتصادی در ایران که به صورت مستقیم به ارتباط ایران با کشورهای دارای سرمایه و تکنولوژی بستگی دارد. تصمیم‌گیری در این زمینه نیز در فضای اقتصادی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در فضای سیاسی رخ می‌دهد. به همین دلیل نیز کاندیداهای ریاست‌جمهوری که برنامه‌های اقتصادی ارائه می‌کنند باید در عرصه سیاسی دارای قدرت چانه‌زنی زیادی باشند تا برنامه‌های آنها در اولویت‌های کشور قرار بگیرد. این در حالی است که اغلب کسانی که در نهایت در انتخابات پیروز می‌شوند از چنین قدرتی برخوردار نیستند یا چنین فضایی در اختیار آنها قرار داده نمی‌شود. آقای روحانی در رقابت‌های انتخاباتی عنوان کردند قصد دارند تنش در عرصه سیاست خارجی را کاهش دهند و زمینه را برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کنند. مردم نیز که به دنبال چنین شعارهایی بودند به ایشان رأی دادند؛ رأیی که قابل توجه بود و با مشارکت بالای مردم صورت گرفت. با این وجود در عمل مشاهده کردیم که از دست آقای روحانی نیز کار خاصی برنیامد. مهمترین دلیل این موضوع این بود که تصمیم‌گیری درباره روابط خارجی، که مستقیما روی مسائل اقتصادی کشور تأثیرگذار است، در اختیار رئیس‌جمهور قرار نداشت؛ بلکه بخش‌های داخلی آن در اختیار نهادهای دیگر و بخش‌های خارجی نیز در اختیار کشورهایی بود که در توافق برجام حضور داشتند. در عمل نیز مشاهده کردیم که همه توافق‌هایی که در زمینه برجام و روابط آینده ایران و کشورهای غربی صورت گرفته بود، در نهایت با یک امضای رئیس‌جمهور آمریکا از بین رفت. به همین دلیل هر فردی با هر گرایش سیاسی قصد داشته باشد برای انتخابات ریاست‌جمهوری برنامه ارائه کند و مبتنی بر برنامه‌هایی که ارائه می‌کند عمل کند در نهایت با موانع متعددی برخورد خواهد کرد؛ خواه این فرد یک چهره سیاسی باشد یا یک چهره نظامی اقتدارگرا.

گمانه‌زنی‌های زیادی درباره حضور نظامیان در انتخابات آینده به گوش می‌رسد. آیا شرایط اقتصاد ایران به شکلی است که یک نظامی بتواند تحولات مهمی در اقتصاد کشور به وجود بیاورد؟

مردم ایران نه‌تنها گزینه نظامی را برای ریاست‌جمهوری خود نمی‌پسندند؛ بلکه آن را رد نیز می‌کنند. در شرایط کنونی به اندازه کافی فشار روی زندگی مردم وجود دارد. در چنین شرایطی اگر این فشارها توسط یک چهره نظامی در انتخابات تشدید شود، ممکن است پیامدهای سنگینی به همراه داشته باشد. نمونه این وضعیت امروز در میانمار وجود دارد. نظامیانی که در این کشور قدرت را در اختیار دارند تصور نمی‌کردند مردم در نهایت دست به چنین واکنشی بزنند. در نتیجه گزینه نظامی نمی‌تواند در راستای تمام دغدغه‌های اصلی مردم حرکت کند و در زمینه اقتصادی به عنوان مهمترین مطالبه مردم نقش موثری را ایفا کند. واقعیت جامعه ایران بیانگر این است که اگر کسی به مردم قول دیگری بدهد سرنوشتی جز آقای روحانی برای وی متصور نخواهیم بود. قول‌هایی که آقای روحانی به مردم دادند مشروط به اجرای برجام و تعدیل در سیاست خارجی کشور و پذیرش تعهدات جدید بود که هیچ‌کدام عملی نشد. شرایط به شکلی است که حتی کوچک‌ترین تصمیمی مانند اف‌ای‌تی‌اف که به وضعیت رابطه اقتصادی کشور با کشورهای غربی ارتباط دارد نیز در اختیار دولت قرار نگرفت. به همین دلیل کسانی که قصد دارند در انتخابات شرکت کنند و به مردم قول‌هایی می‌دهند باید این نکته را در نظر داشته باشند که در نهایت سرنوشتی مانند آقای روحانی پیدا خواهند کرد.

امروز مردم ایران به این باور رسیده‌اند که افرادی که با رأی آنها انتخاب می‌شوند از قدرت لازم و بالایی برخوردار نیستند. اگر یک نماینده مجلس در حوزه انتخابیه خود وعده‌هایی به مردم بدهد بیشتر به دلیل این است که رأی لازم را برای ورود به مجلس به دست آورد. این در حالی است که در عمل نمی‌تواند به وعده‌هایی که به مردم داده عملی کند و مردم نیز این مسأله را درک کرده‌اند. این وضعیت درباره رئیس‌جمهور نیز وجود دارد

آیا برخی از ناکامی‌ها به عملکرد دولت روحانی ارتباط نداشت؟ آیا دولت حسن روحانی در نهایت نمی‌توانست عملکرد بهتری از خود برجای بگذارد؟

بنده معتقدم آنچه دولت آقای روحانی در طول سال‌های اخیر انجام داد نهایت توانایی‌ای بود که یک دولت می‌توانست در چنین شرایطی انجام بدهد. دولت آقای روحانی به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی موفق شد تعدادی از پروژه‌های بزرگ را در کشور راه‌اندازی کند و مقداری از فشارها را از روی زندگی مردم بردارد و بارقه‌های امید را در دل مردم زنده نگه دارد. واقعیت این است که براساس شواهد و قرائن موجود میزان مشارکت در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری پایین خواهد بود. به همین دلیل نیز کاندیداهای ریاست‌جمهوری در شرایطی نیستند که وعده‌هایی مانند کنترل نرخ تورم، کاهش نرخ بیکاری و افزایش سرمایه‌گذاری به مردم بدهند. از سوی دیگر در درون کشور سومدیریت، فساد نهادینه شده و کنار گذاشتن نخبگان کشور و افرادی که می‌توانند در خروج کشور از بحران کمک کنند به خوبی احساس می‌شود. اگر امروز به برخی برنامه‌های رسانه ملی توجه کنیم متوجه یک نوع سانسور هستیم که تلاش می‌کند مسائل سطحی و حاشیه‌ای را ارائه کند. تا زمانی که نهادهای تصمیم‌گیر ایران به این نتیجه نرسند که قصد دارند چگونه با جهان برخورد کنند و از سوی دیگر قصد دارند با مردم کشور به چه صورت برخورد کنند هر قول و وعده‌ای از سوی کاندیدای ریاست‌جمهوری مورد اقبال مردم قرار نخواهد گرفت و موجبات دلسردی بیشتر مردم را فراهم خواهد کرد. امروز مطالبه اصلی مردم شغل پایدار، ثبات قیمت‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری برای تقویت تولید ملی است. مردم می‌خواهند صاحب خانه و لوازم حداقلی زندگی شوند. این مطالبات نیز با حضور افرادی که از ابتدای انقلاب تاکنون در مسند کار بوده‌اند و مرتب از این سمت به سمت دیگر نقل مکان می‌کرده‌اند امکان‌پذیر نخواهد بود.

با توجه به شرایط موجود کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای بازگشت اعتماد مردم و حضور حداکثری آنها باید با چه رویکردی وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند؟

واقعیت این است که در شرایط کنونی اعتماد اجتماعی نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است. امروز مردم ایران به این باور رسیده‌اند که افرادی که با رأی آنها انتخاب می‌شوند از قدرت لازم برخوردار نیستند. اگر یک نماینده مجلس در حوزه انتخابیه خود وعده‌هایی به مردم بدهد بیشتر به دلیل این است که رأی لازم را برای ورود به مجلس به دست آورد. این در حالی است که در عمل نمی‌تواند به وعده‌هایی که به مردم داده عملی کند و مردم نیز این مسأله را درک کرده‌اند. این وضعیت درباره رئیس‌جمهور نیز وجود دارد. رئیس‌جمهور نیز نمی‌تواند یک دولت عملگرا به وجود بیاورد. در نتیجه میزان اعتماد اجتماعی به شکلی نیست که در انتخابات آینده یک رئیس‌جمهور روی کار بیاید که پشتوانه‌ای قوی، به میزان ۲۰ میلیون رأی داشته باشد. پس از فرازو نشیب‌های ناشی از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی اقتصاد ایران در یک وضعیت رکود کامل قرار داشت. در زمان جنگ، تحمل وضعیت برای مردم راحت‌تر بود، به دلیل اینکه درک می‌کردند که این رکود به دلیل جنگ تحمیلی است. این در حالی است که پس از دولت سازندگی یک نوع تضاد با هرگونه اقدامی که در راستای گفتمان سازندگی در کشور رخ می‌دهد به وجود آمد. به صورت کلی اگر قصد داشته باشیم وضعیت اقتصادی دولت آقای روحانی را مورد ارزیابی قرار بدهیم باید عنوان کنیم دولت‌های یازدهم و دوازدهم در بخش‌هایی از مدیریت اقتصادی عملکرد موفقی داشته است. به عنوان مثال در زمینه پتروشیمی موفقیت‌هایی وجود داشته است. این در حالی است که با تصمیمات و رویکرد اشتباه وزیر نفت فرآیند خام‌فروشی همچنان ادامه دارد. در بخش نیروگاهی ما توسعه قابل توجهی نداشته‌ایم و به همین دلیل هیچ سد بزرگ مخزنی به بهره‌برداری نرسیده است. با توجه به محدودیت‌هایی که رئیس‌جمهور در ایران دارد کارنامه دولت‌های آقای روحانی در زمینه اقتصادی می‌تواند مثبت ارزیابی شود. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که همه مشکلات اقتصادی کشور متأثر از تحریم‌های بین‌المللی نیست. شاید ۴۰ درصد مشکلات اقتصادی ایران متأثر از تحریم‌ها باشد ولی بقیه آن متأثر از سوءمدیریت، ضعف مدیریت و اعمال روش‌های امنیتی و اطلاعاتی در اقتصاد است. اعمال روش‌های امنیتی و اطلاعاتی در اقتصاد نیز از زمان دولت‌های نهم و دهم در ایران رایج شد. این وضعیت همچنان هم ادامه دارد و اجازه نمی‌دهد افراد توانمند و نخبه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی حضور داشته باشند. به عنوان مثال اگر به بحران به وجود آمده در بورس توجه کنیم این بحران بیش از آنکه به سیاست خارجی ارتباط داشته باشد به ندانم‌کاری و نداشتن مدیران بادرایت ارتباط پیدا می‌کند. ساختن مسکن و آزادراه‌ها در کشور که متأثر از تحریم‌ها نیست. اگر مسئولان کشور به واقع نگران وضعیت مردم هستند باید به خوبی به پیامدهای ناگوار مشکلات اقتصادی فکر کنند. در شرایط کنونی بحران‌های اقتصادی به صورت مستقیم روی افزایش آمار طلاق و خودکشی در کشور تأثیرگذار بوده و میزان طلاق و خودکشی را بیشتر از گذشته کرده است.

توضیحات سخنگوی قوه قضائیه درباره چند پرونده مهم:

ابهام در وضعیت عیسی شریفی

قطعی شدن ۳۱ سال حبس اکبر طبری

سخنگوی قوه قضاییه از تایید حکم پرونده اکبر طبری در دیوان عالی کشور خبر داد و گفت که این مرجع هنوز درباره عیسی شریفی اعلام نظر نکرده است. غلامحسین اسماعیلی افزود: در دادنامه صادره دادگاه تجدیدنظر استان که منتهی به صدور قطعی حکم شده آقای علیرضا عامری رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل وقت منطقه آزاد کیش به جرم اخذ رشوه و تبانی در معاملات دولتی و سوءاستفاده از مقام به یک فقره ۴ و نیم سال حبس و یک فقره ۴ سال حبس و به‌علاوه ۲ سال حبس و نیز یک سال حبس و جزای نقدی و شلاق و انفصال از مشاغل دولتی محکوم شده که البته مجازات اشد قابل اجراست. وی افزود: همچنین خانم لیلا امیرآبادی وکیل دادگستری به جرم پرداخت رشوه و جعل اسناد و اعمال نفوذ و معاونت در تحصیل مال نامشروع به ۳ فقره دو سال حبس و یک فقره یک سال حبس محکوم شده است. در این پرونده متهمان دیگری هم محکومیت یافتند که از بیان جزییات معذورم و در سایت میزان اعلام می‌شود. وی افزود: در دادنامه صادره دادگاه تجدیدنظر استان که منتهی به صدور قطعی حکم شده آقای علیرضا عامری رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل وقت منطقه آزاد کیش به جرم اخذ رشوه و تبانی در معاملات دولتی و سوءاستفاده از مقام شغل به یک فقره ۴ و نیم سال حبس و یک فقره ۴ سال حبس و به‌علاوه ۲ سال حبس و نیز یک سال حبس و جزای نقدی و شلاق و انفصال از مشاغل دولتی محکوم شده که البته مجازات اشد قابل اجراست. وی افزود: همچنین خانم لیلا امیرآبادی وکیل دادگستری به جرم پرداخت رشوه و جعل اسناد و اعمال نفوذ و معاونت در تحصیل مال نامشروع به ۳ فقره دو سال حبس و یک فقره یک سال حبس محکوم شده است. در این پرونده متهمان دیگری هم محکومیت یافتند که از بیان جزییات معذورم و در سایت میزان اعلام می‌شود.

قطعی شدن ۳۱ سال حبس اکبر طبری

سخنگوی قوه قضاییه در پاسخ به سوالی درباره پرونده طبری گفت: پرونده مهم و ویژه اکبر طبری بعد از آنکه با دادرسی عمیق و گسترده در دادسرا و دادگاه انجام شد و حکم نهایی صادر شد. شهریور اعلام کردیم که با تقاضای اعاده دادرسی محکومان به دیوانعالی ارسال شد. در دیوان عالی رسیدگی و حکم نهایی قطعی در مورد طبری صادر شده و محکومیت طبری در ارتباط با رهبری و سردستگی باند ارتشا که املاک متعدد و وجوه متعددی را به صورت رشوه از اصحاب پرونده‌ها اخذ کرده بودند و در نتیجه محکوم به ۳۱ سال حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی معادل قیمت اموال و وجوه ماخوذه و انفصال دایم از خدمات دولتی و استرداد املاک شده بود توسط دیوان تایید و قطعی شده است. ایشان اتهامات متعدد دیگری مانند جعل اسناد رسمی و سوءاستفاده از اسناد و اعمال نفوذ در مقامات و ۳ فقره اعمال نفوذ و یک فقره غرض‌ورزی داشت که تایید شد. در مورد اتهام پولشویی برای دیوان عالی تردیدی پیش آمده و دادگاه گفته قانون پولشویی اخیرالتصویب است و با توجه به قانون جدید این اتهام مورد رسیدگی و رای مجدد است ولی در مورد سایر محکومیت‌های ایشان باید بگویم که به تایید دیوان عالی رسیده و لازم‌الاجراست. سخنگوی قوه قضاییه در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا دیوان عالی کشور درباره پرونده عیسی شریفی نظر نداده است؟ گفت: دیوان وعده داده بود که قبل از پایان سال جاری در این پرونده رای صادر کند و امیدوارم در همین روزهای باقی‌مانده سال باشد و به محض اینکه رای دیوان به دستمان برسد اطلاع‌رسانی خواهد شد. اسماعیلی درباره پرونده‌های مربوط به مبارزه با مفاسد اقتصادی در سال ۹۹ گفت: در سال ۹۹ مبارزه با مفاسد اقتصادی اولویت ما بود و در سال گذشته صرفا در شعب ویژه مبارزه با اخلالگران اقتصادی در کشور ۲۰۶ پرونده بررسی شدند که ۷ متهم حقوقی هم علاوه بر شخصیت حقیقی داشتیم. سخنگوی دستگاه قضا در پاسخ به سوالی درباره گرانی‌های اخیر در بازار مرغ گفت: به همه دستگاه‌ها به‌ویژه سازمان تعزیرات حکومتی اعلام کردیم که حاضریم کمک کنیم. در روزهای اخیر و هفته جاری دادستان‌های ما، معاونان دادستان به کمک تعزیرات حکومتی رفتند و مواردی از سوءاستفاده در حوزه توزیع مرغ را کشف و متهمانی را دستگیر کردند، پرونده‌های آنها در حال رسیدگی است. وی درباره پرونده کشتی سانچی و ابهام‌زدایی از این پرونده گفت: آنچه مطرح شد یک رای غیرقطعی است و به هیچ عنوان آرای غیرقطعی دادگاه‌ها قابل استناد نیست و پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شده و باید دید که دادگاه تجدیدنظر که صادرکننده رای قطعی است چه تصمیمی می‌گیرد. وی افزود: رای غیرقطعی دلالت بر زنده بودن نفتکشان سانچی ندارد و ما به آرای غیرقطعی دادگاه‌ها استناد نمی‌کنیم و ان‌شاءا... دادگاه تجدیدنظر رای نهایی را صادر خواهد کرد. اسماعیلی در پاسخ به سوالی درباره تخریب املاک کلاک و ارتباطش با پرونده اکبر طبری گفت: این پرونده مستقل بود، اما اکبر طبری در فرآیند آن اعمال نفوذ کرده بود. قبلا رای پرونده صادر شد و در دوره اخیر تقاضای اعاده دادرسی شد و محکومیت آقای نجفی در رابطه با اراضی کلاک تایید و اراضی به بیت‌المال اعاده شد. سخنگوی قوه قضاییه تصریح کرد: پرونده مجددا در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری لواسان مطرح شد و این کمیسیون رای به قلع و قمع بناهای احداثی صادر کرد و آنچه به اجرا درآمد، آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ بود و مجموعه اراضی کلاک اعاده به وضع سابق می‌شود.

پرونده مدیران بانک مرکزی

اسماعیلی در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت پرونده مدیران بانک مرکزی (سیف، عراقچی و آقاخان) گفت: پرونده برای رفع نقص از دادگاه به دادسرا آمده بود و نواقص موردنظر دادگاه توسط دادسرا برطرف شد و پرونده به دادگاه برمی‌گردد و دادگاه در این حوزه تصمیم خود را اتخاذ می‌کند. اینکه آیا با توجه به جلسات قبلی از ناحیه دادگاه و رفع نقص‌هایی که دادسرا انجام داده، چه روندی باید طی شود بستگی به تصمیم هیات حاکمه دادگاه دارد و تاکنون تصمیم جدیدی از سوی شعبه به ما اعلام نشده است. اسماعیلی در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت پرونده نگین و مروارید غرب گفت: این یک پرونده ویژه در قوه قضاییه بوده است و دو نفر از متهمان این پرونده متاسفانه جمع زیادی از شهروندان را گرفتار کردند. در این دو پرونده که موسوم به نگین و مروارید غرب هستند، ۱۵هزار و ۱۸۶ شاکی و مالباخته داشتیم. از آنجایی که صرف زندان رفتن محکومان دردی را دوا نمی‌کرد، تصمیم گرفته شد کار ساماندهی شود و تا امروز ۹هزار و ۸۵۸ نفر از افراد وجوه نقدی دریافت کردند و بیش از هزار نفر واحد مسکونی گرفتند و با ۱۱هزار و ۶۰۰ نفر تسویه‌حساب شده و ۳هزار نفر دیگر باقی مانده‌اند که تا تابستان ۱۴۰۰ با تکمیل واحدهای دیگر هم تسویه‌حساب انجام خواهد شد و می‌توان از محل فروش اموال محکوم علیه با سایر افراد در این پرونده تسویه‌حساب کرد.